**محمد آسنگران**

**دخالتگري کمونيستي يا همراه شدن با جنبش ناسيوناليستي**

**در حاشيه شرکت کومله در "کنگره ملي کرد"**

مدتي قبل موضوع "کنگره ملي کرد" اهداف و سياستي که در مقابل خود قرار داده و شرکت کومله - حزب کمونيست ايران در اين کنگره٬ مورد بحث و نقد ما قرار گرفت. به دنبال اين مباحث بعد از گذشت مدت کوتاهي رفقايي از هر دو حزب حکمتيست هم وارد اين بحث شدند و طبق سنت سياسي زمختي که از مدرسي به ارث برده اند٬ سعي کردند آنرا از چهار چوب يک بحث سياسي و جدي خارج کنند و به افشاگري بپردازند. ما با طرح دوباره و چند باره مباحث پايه اي و نقد مستدل خود تلاش کرديم اين مباحث را نه به منظور افشاگري بلکه به عنوان يک بحث سياسي و نظري از موضع جنبش سوسياليستي در نقد سياست نيروهاي ناسيوناليستي توضيح بدهيم و تفاوتها را نشان بدهيم.

نادرستي سياست کومله را مستدل کرديم. توصيه هاي لازم به کومله را علنا مطرح کرديم. اما کساني از کادرهاي کومله در دفاع نه چندان جسورانه اي از اين سياست يا دوپهلو حرف زدند و يا مثل جمال بزرگپور دست به انبان ناسيوناليسم کرد بردند و از آن خورجين استفاده کردند. بدون تعمق و استدلال٬ اتهام و ناسزا گویی را پيشه کردند و تاريخ را بدون ملاحظه اينکه شاهدان عيني هنوز زنده اند، دستکاري نمودند. پيشينه بحث از نوع جمال بزرگپور را ما ميشناسيم در زمان خودش پاسخ لازم را به آن داده ايم. تکرار کسل کننده آن احکام کهنه و زنگ زده که امروز بيش از جمال٬ عبدالله مهتدي پرچمدار آن است٬ کمکي به کومله نميکند و نفعي به حال کومله و حزب کمونيست ايران نخواهد داشت.

محافل ساکت و بي تاثير ديگر چپ که حرفي براي گفتن در اين زمينه نداشته اند و بعدها در نقش "منتقد" ظاهر شده اند، چندان جدي نيستند که به آن بپردازيم.

خوشبختانه اکنون فضاي سياسي از هيجانات بيمورد و زخم زبانهاي بي خاصيت کادرهاي کومله و کساني از حزب حکمتيست فاصله گرفته است و بحث به جايي کشيده شده است که طرفين ميتوانند مستدل و منطقي اگر حرفي براي گفتن دارند، مطرح کنند. رفيق ابراهيم عليزاده هم هر چند دير اما تحت فشار ناچار شده است حرف دلش را در يک مصاحبه بزند. اين نوشته بررسي نکاتي است که او در اين مصاحبه گفته است. (نقل قولها از مصاحبه رفيق ابراهيم عليزاده را من از کردي به فارسي ترجمه کرده ام و مسئوليت ترجمه آن با من است.)

کومله در پاسخ به نقدهاي ما که چرا در چنين کنگره اي که قرار است مثل يک ارگان و حزب فراگير جنبش ناسيوناليستي عمل کند شرکت کرده و عملا در اين مورد همراه جريانات ناسيوناليستي براي رسيدن به اهداف و سياستي ناسيوناليستي شده است٬ چنين پاسخ داده است:

عليزاده: "شرکت ما در **کنگره ملي کرد** از استراتژي ما براي رفع ستم ملي بر **ملت کرد** در کردستان ايران که **ملتي** تقسيم شده در **چهار کشور** است ناشي ميشود ..."

در اين نقل قول از ملت سازي و ملت بازي ناشيانه رفيق ابراهيم که زبان و ادبيات ناسيوناليستي را افراطي تر از حزب دمکرات بکار گرفته است، ميگذرم. انگار در کردستان موضوع ديگري بجز اين نيست و انگار "ملت" کرد همگي يک جنبش و يک منفعت دارند و شرکت در "کنگره ملي کرد" هم ظاهرا نه تنها مورد مناقشه براي کومله٬ بلکه جاي افتخار است و براي موفقيت آن تلاش ميکند. همه اينها جاي بحث دارد و ربطي به جنبش کمونيستي ندارد. کمونيستها در نقد اين ادبيات و افق و نه همسو با آن ميتوانند ظاهر شوند. اما فعلا و در اين چهار چوب اجازه بدهيد به استدلالهاي سياسي رهبري کومله بپردازيم.

رفيق ابراهيم به صراحت گفته است شرکت آنها در اين کنگره از استراتژي آنها براي رفع ستم ملي در کردستان ناشي ميشود. اين پاسخي به کادرهايي از خود کومله و افرادي خارج از کومله هم هست که فکر ميکردند کومله ناچار است در اين کنگره شرکت کند. گويا نان و آبش دست اين احزاب حاکم است فعلا نميخواهد در مقابل آنها قرار گيرد و فکر ميکردند ابراهيم عليزاده مثل هميشه بخشي از سياست اش ديپلماسي است و نميتواند با صراحت حرف بزند و اين اقدامي براي راضي نگهداشتن و رابطه ديپلماتيک با اين احزاب حاکم در کردستان عراق است و ... اينجا معلوم ميشود که اتفاقا استراتژي کومله از اين راه ميگذرد و شرکت آن در تدارک "کنگره ملي کرد و تلاش براي موفقيت آن" از يک سياست آگاهانه اتخاذ شده و اقدامي در جهت استراتژي سياسيشان است. تا اينجا خود رفيق عليزاده هم تاييد و تاکيد ميکند شرکت در کنگره ملي نه يک تاکتيک موقتي، نه از سر ناچاري و نه اقدامي سهوي بلکه حرکتي آگاهانه و در جهت استراتژي حزبش است.

اجازه بدهيد اينجا از اسم "کنگره ملي کرد" آغاز کنيم. اين اسم از سه کلمه تشکيل شده است که ثقل آن کلمات "ملي و کرد" است. کلمه کنگره که کاربردش معلوم است اما منافع ملي٬ مرزهاي ملي٬ هويت ملي٬ راه حل ملي٬ کنگره و کنفرانس ملي با پسوند "کرد" و ... از يک پيشفرض ناشي ميشود که طبقات دارا و فريبکار منافع خود را تحت عنوان منافع جامعه و منافع ملت معرفي ميکنند. اسم "کنگره ملي" در همين چهار چوب فريبکارانه به کار رفته است.

گويا همه آحاد مردم در يک جغرافياي معين ملتي را تشکيل ميدهند که يک منفعت واحد دارند و اين احزاب هم نماينده آن منافع ميباشند و به همين دليل اسم تجمعشان را "کنگره ملي" گذاشته اند. اين رياکاري طبقات حاکم و ادبيات جريانات ناسيوناليست است و تاريخی طولاني دارد. اينجا کلمات "ملي و کرد" هنگامي که با همديگر بکار برده ميشوند يعني اجلاس و کنگره اي وجود دارد که منفعت همه مردم کردستان را نمايندگي ميکند. در قدم اول اين يک دروغ بزرگ است. براي مثال احزاب حاکم کردستان عراق احزب و نماينده سياسي يک جنبش (جنبش ناسيوناليستي) و طبقه بورژوا در کردستان هستند و کومله هم فکر نميکنم منکر آن باشد. در مورد ديگر جريانات ناسيوناليستي و اسلامي٬ هم اين امر واضح و تا کنون امر غير قابل اختلافي ميان ما و کومله بوده است. کومله اما با هر توجيهي اگر بخواهد شرکت خود را در اين تجمع را موجه نشان بدهد نميتواند اين واقعيت را انکار کند که کل اين روند و جريانات دخيل در کنگره ملي کرد منبعث از جنبش ناسيوناليستي و اسلامي هستند.

بنابراين واضح است کسي که مدعي باشد "کنگره ملي کرد" منافع همه مردم کردستان و همه جنبشهاي اجتماعي را نمايندگي ميکند، يک دروغ بزرگ گفته است. اولا اين احزاب نماينده مردم کردستان نيستند. کسي آنها را به عنوان نماينده خود در اين کنگره انتخاب نکرده است. ثانياهمه آنها احزابي با گرايشات ناسيوناليستي و اسلامي هستند. ثالثا مردم کردستان هم يک منفعت واحد به اسم "منافع ملي" ندارند که مجمعي به اسم "کنگره ملي" بتواند پاسخي به آن بدهد. منفعت طبقات مختلف اجتماعي نه در اتحاد با هم بلکه در تقابل و در نقد همديگر قابل تشخيص هستند. کسي که بخواهد آگاهانه يا ناآگاهانه اين اختلاف منافع و اختلاف جنبش و افق را تحت عنوان منفعت ملي و ... مخدوش کند، به چشم مردم خاک پاشيده است و حقيقتي را نمايندگي نميکند.

بنابر اين "کنگره ملي کرد" تجمع و ارگان هماهنگي جريانات منبعث از جنبش ناسيوناليستي و اسلامي است و منافع همه مردم کردستان آنجا نمايندگي نميشود. اين کنگره اساسا منافع بورژوازي کرد را نمايندگي ميکند زيرا همه جريانات تشکيل دهنده آن احزابي ناسيوناليستي و اسلامي و سياست ناظر بر آن هم طبعا ناسيوناليستي و اسلامي است. ناسيوناليسم و اسلام هم ايدئولوژي انتگره جنبش ملي کرد بوده است. در اين کنگره هم روال همين است و کومله اگر نخواهد تماما در آن جنبش ادغام بشود يک مهمان نخودي است نه بيشتر.

در اين مورد مشخص يعني حاشيه اي بودن نقش کومله در گفته های رفيق عليزاده تاييد شده است. معلوم است که کساني مهمان و کساني ميزبان و صاحب خانه هستند. از خود رفيق ابراهيم بشنويم: "از همان ابتدا نظر و راي هيچ کدام از احزاب کردستان ايران را نپرسيدند. تنها ۴۸ ساعت قبل از اولين جلسه دعوت نامه به دست ما رسيده است. ديگر احزاب کردستان ايران هم همگي کم و بيش به همين شيوه از موضوع کنگره ملي کرد مطلع شدند. آنها (صاحب خانه) حتي تعداد اعضا هيئت شرکت کننده در کنگره را هم قبلا تعيين کرده بودند. حتي به هيئت دو نفره بعضي از احزاب کردستان ايران راه ندادند که در جلسه مقدماتي شرکت کنند. به شکلي ناپسند عضو دوم هيئتها را به جلسه راه ندادند. چه کسي تعيين کرده بود که هيئت اين احزاب فقط يک نفر باشد؟ و ..."

(اين نقد و زبان گله گذاري رفيق ابراهيم را که در نقد رفتار تحقير آميز دعوت کنندگان است را مقايسه کنيد با لحن او عليه کمونيستها.)

عليزاده: نقدي که از جانب چپ به اين سياست ما مطرح شده است٬ نقد کساني است که در مورد مسئله حق تعيين سرنوشت خود را بي وظيفه ميدانند. به همين دليل درگير مسايل و جدالهاي اين موضوع هم نيستند. **اينها کساني هستند تا وقتي که از سياست کمونيستي روگردان نشده بودند و به دليل بودنشان در کومله هنوز خود را در قبال جنبش مردم کرد بي وظيفه نمي دانستند٬ درخواست ميکردند که تلاش کنيم "برنامه مشترک خودمختاري" به حزب دمکرات کردستان ايران پيشنهاد کنيم.** آن هم در شرايطي که تنها چند ماهي بود جنگ دمکرات و کومله عملا تمام شده بود. ولي هنوز رسما آتش بس امضا نشده بود. سياست اينها نمونه اي از بي ربط بودنشان به جامعه کردستان و مشکلات آن جامعه است. اين سياست و موضعگيري اينها هيچ ربطي به نگرش و سياست چپ و مارکسيستي ندارد. منزه طلبي است. اين دليل و برهاني براي توجيه حاشيه اي بودن و پاسيفيسم آنها است."

(در اين متن ترجمه شده به "طرح مشترک کومله و حزب دمکرات براي خودمختاري" اشاره ميکند. که همين چپهاي مورد نقد ابراهيم عليزاده مطرح کرده اند ظاهرا رفيق ما خيلي راديکال بوده و آنرا نپذيرفته است. اجازه بدهيد آن داستان را آنطور که بود و اتفاق افتاد بازگو کنم: اين پيشنهادي بود که آن دوره گرايش کمونيسم کارگري طرح کرد. طرحي در حد بحث و بررسي بود در مجادلات و مباحث حول اين موضوع که ما در کردستان دو جنبش ناسيوناليستي و سوسياليستي داريم نه يک جنبش به اسم "جنبش کردستان" يا "جنبش انقلابي کردستان" و يا "جنبش ملي کردستان" و ... که گويا کومله جناح چپ آن و حزب دمکرات جناح راست آن است. منظور اين بود که نبايد براي اثبات راديکاليسم حزب کمونيست ايران مرتب طرح خودمختاري را راديکالتر کرد. بحث اين بود که ما برنامه خودمختاري با محتواي بورژوايي و سوسياليستي نداريم. تفاوت ما با حزب دمکرات اين نيست که گويا ما خودمختاري نوع سوسياليستي داريم و حزب دمکرات نوع بورژوايي آنرا نمايندگي ميکند. اين بحث تاکيدش اين بود که ما دو جنبش و دو افق مجزا هستيم. تفاوت طرح ما براي حل مسئله ملي و رفع ستم ملي با حزب دمکرات مضمون بورژوايي و کارگري ندارد. اين يک حق پايه اي مردم کردستان است و ميشود با حزب دمکرات بر سر آن به توافق رسيد. تاکيد گرايش کمونيسم کارگري اين بود که اختلاف ما با حزب دمکرات در برنامه خود مختاري نيست. برنامه خودمختاري محتواي اقتصادي ندارد، ما دو جنبش هستيم. ما و حزب دمکرات جناح چپ و راست يک جنبش نيستيم. آنها جنبش ناسيوناليستي را نمايندگي ميکنند و ما جنبش سوسياليستي را. افق و استراتژي متضادي داريم. نقد ما به جامعه و مناسبات توليدي از سر محتواي برنامه خودمختاري نيست. تاکيد ما اين بود که ما حتي ميتوانيم و خوب است که طرح مشترک براي رفع ستم ملي با حزب دمکرات داشته باشيم. اين مباحث در شرايطي مطرح شد که کساني مثل عبدلله مهتدي و عمر ايلخانيزاده ميگفتند "جنگ با حزب دمکرات را تا تثبيت هژموني کومله بر جنبش کردستان" ادامه بدهيم. بحث مقابل اين بود ما و حزب دمکرات دو جناح چپ و راست يک جنبش نيستيم که اختلاف ما بر سر هژموني بر آن جنبش باشد و نبايد در تقابل با این حزب شعار ما "جنگ٬ جنگ تا پيروزي" شعار ما باشد. بلکه تحميل فعاليت آزاد احزاب سياسي و رفع مانع حزب دمکرات که ميخواست مانع فعاليت کومله بشود٬ کافي است تا با آنها آتش بس کنيم و يک طرفه جنگ را مختومه اعلام نمائیم و حتي ميتوانيم برنامه مشترک براي رفع ستم ملي و حل مسئله کرد را هم با آنها در ميان بگذاريم.)

رفيق ابراهيم در اين نقل قول نيمی از حقيقت را بازگو کرده است.

از بازگويي اين مجادلات سابق که بگذريم به موضوع امروز و نقد و زبان تلخ و تحريف آميز عليزاده عليه کمونيستهايي که تاريخ مشترکي هم با حزب کمونيست دارند ميرسيم. اين زبان و اين نقد را مقايسه کنيد با زبان الکن و محترمانه او با ناسيوناليستها٬ تا متوجه عمق اختلاف کومله با کمونيستها و یا همراهی او با ناسيوناليستها بشويد. رفيق عليزاده در نقد ناسيوناليستها به عنوان شريک و رفيقی که منصفانه به آنها برخورد نکرده اند، حرف ميزند. اما عليه کمونيستهاي منتقد سياست ناسيوناليستي که دلسوزانه تلاش ميکنند کومله را از سقوط قطعي و حتمي به دامن جنبش ناسيوناليستي مانع بشوند، با اين زبان و ادبياتی حرف ميزند که تماما ناسيوناليستي است و در رده شانتاژ و ضد حقيقت قرار ميگيرد.

واقعا ابراهيم عليزاده فکر ميکند کسي که در "کنگره ملي کرد" شرکت نکند و به فراخوان بارزاني لبيک نگويد و براي سازمان دادن ارگان همه گير ناسيونال- اسلاميهاي کرد که قرار است "يک سياست و استراتژي و زبان واحد" سازش و همراه شدن با دولتهاي منطقه را براي خود و جنبششان تدوين و تصويب کند منزه طلبي است؟ و يا چون در جمع ناسيوناليستها و همرنگ شدن و همراه شدن با آنها حضور ندارد بي نقش و حاشيه اي است؟ سوالي که مطرح ميشود اين است که: منزه طلب بودن از چه چیزی؟ حاشيه اي از چه و از کدام جنبش؟ واقعيت اين است کمونيستها نه تنها از جنبش و ادبيات و افق ناسيوناليستي منزه هستند بلکه منتقد و در مقابل آن قرار ميگيرند. اگر رفيق ابراهيم عليزاده در يک جاده دو طرفه جهتش را به سمت ناسيوناليستها تغيير داده و از جنبش و سياست کمونيستي فاصله ميگيرد انتخابي آگاهانه و آزادانه کرده است.

واقعيت اين است منظره هایي که در کردستان قابل ديدن است٬ صفهایي که در حال رژه رفتن در دو قطب ناسيوناليستي و کمونيستي هستند٬ منزه طلبي و حاشيه اي بودن و بي وظيفه شدن کمونيستها براي جوابگويي به مسئله کرد و ستم ملي و ... را نشان نميدهد. آنچه بارز و آشکارو قابل ديدن است نقل مکان کومله از سالن چپها به سالن ناسيونال اسلاميها است. اما کومله دل خودش را به اين خوش کرده است که در جهت سهم خواهي بيشتر در "کنگره ملي کرد" با شرکايش رقابت کند. اينرا وظيفه کمونيستي و دخالتگرانه و غير منزه طلبانه قلمداد ميکند! تمام نوشته ها و نق زدنها و نارضايتهاي کومله از کنگره ملي و شرکاي ديگر اين کنگره در اين چهار چوب ميگنجد. با اين حال ميزبانان کنگره يک صندلي مهمان و همراهی که از جناح چپ به این خیل پیوسته است براي کومله در نظر گرفته اند و به بقيه حرفها و توقعاتش تحت عنوان مصلحت کرد و منفعت ملي کرد و ... اعتنائی نکرده و به اين دوست ناراضي تذکر داده اند که ساکت باشد. کومله هم تا کنون مقررات آنها را رعايت کرده است.

از منظر کومله اگر کسي در جنبش ناسيونال - اسلامي کرد شريک شد و براي تدوين و تصويب استراتژي و زبان واحد جنبش ناسيوناليستي تلاش کرد٬ دخالتگري کمونيستي کرده است!!! در غير اينصورت منزه طلب و حاشيه اي و بي ربط به مشکلات مردم کردستان است! اين تزهاي تازه و بديع معلوم نيست از کدام متد و کتب و سياست نشات ميگيرد بجز مکتب ناسيوناليسم کرد؟ من با ديدن اين بيانات آن چنان تعجب کردم که ابتدا باورم نميشد ابراهيم عليزاده اين سياست و گفته ها را متعلق به خودش بداند. اما هنگاميکه اعضای رهبري کومله اين مصاحبه را منتشر کردند مطمئن شدم کومله پا در راهي گذاشته است که ممکن است برگشتنش به همان مواضع چپ سنتي قبلي هم سخت باشد. اين سياست هموار کردن راهي است که سقوط کومله به دامن جنبش ناسيوناليستي را فراهم ميکند و اين هشداري جدي به همه کساني است که در کومله خود را کمونيست ميدانند.

اين دخالتگري در جنبش آزاديخواهي و جنبش مردم معترض به ستم ملي نيست. اين شريک شدن در ارگان رهبري کننده جنبش ناسيوناليستي است. کنگره ملي کرد نه يک اجلاس موقتي است و نه يک جنبش اجتماعي حق طلبانه مردم عليه ستم ملي. به همين دليل شرکت در آن نه مناظره با ديگران است و نه شرکت در جنبشي حق طلب که قرار است به مشکلات مردم يا بخشي از مردم تحت ستم کردستان، پاسخ بدهد. اين کنگره قرار است نيروهاي جنبش ناسيونال- اسلامي کردستان را به يک استراتژي و زبان واحد برساند تا با دولتهايشان وارد بده بستان بشوند. دخيل شدن و مشغول شدن در کمپ احزاب ناسيوناليست که قرار است وظايف و افق جنبششان را تدوين کنند٬ کوچکتري ربطي به دخالتگري در جنبشهاي اجتماعي حق طلبانه ندارد. کومله نميتواند شريک شدنش با احزاب ناسيوناليستي را تحت عنوان دخالتگري و تقابل با منزه طلبي به جامعه بفروشد. آنچه مشاهده ميکنيم دخالتگري کومله در هيچ جنبش حق طلبانه اي نيست٬ شريک شدنش در جنبش ناسيوناليستي است.

محمد آسنگران

۱۲ سپتامبر ۲۰۱٣